

نقد لایحه «نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی»

پس از سال‌ها انتظار و نیاز مبرم جامعه اداری آلوده به فساد ایران، لایحه «مدیریت تعارض منافع در خدمات عمومی» به مجلس ارسال شده است. تدوین این لایحه به خودی خود کاری ارزشمند محسوب می‌شود که سالیان سال وجود چنین لایحه‌ای در سپهر قانونگذاری کشور احساس می‌شد و با توجه به وضعیت کشور ما از نظر شاخص ادراک فساد در دنیا، لزوم تدارک چنین لایحه‌ای لازم بود. حال فارغ از کیفیت تصویب این لایحه در مجلس شورای اسلامی، باید اراده طراحان لایحه مذکور که نیاز مبرم جامعه به این لایحه را تشخیص داده و به آن همت گمارده‌اند را ستود. در ادامه به برخی از نکات مهم و تأمل‌برانگیز لایحه خواهیم پرداخت.

ماده ۲ لایحه مذکور در مقام برشمردن اشخاص مشمول قانون به خوبی عمل کرده و از جامعیت قابل قبولی در مشمول قرار دادن اشخاص برخوردار است و برخلاف برخی قوانین موجود که با استثنا کردن برخی نهادها و اشخاص موجب کم اعتباری و ضربه خوردن به جامعیت قانون می‌شود، جلوگیری کرده است که نشان از اراده راسخ طراحان لایحه در مواجهه با تعارض منافع است.

با توجه به ماده ۴ لایحه، ترکیب شورای

۹۹ شفافیت نهادهای حاکمیتی و تصمیم‌ساز از راه‌کارهای مبارزه با فساد سیستماتیک است که باید به آن به طور شایسته توجه کرد. به همین دلیل یکی از مشکلات اساسی کشور ما در مبارزه با فساد، مشخص نبودن اطلاعات مالی نهادها و افراد در زمان تصدی شغل دولتی و تغییرات ایجاد شده در طول فعالیت آنهاست که عدم وجود قوانین مناسب در این زمینه یا تعلل در اجرای این قوانین، موجب عدم تحقق شفافیت و گاه پدیدار شدن رسوایی‌های عظیم مسئولان و تصمیم‌گیران نظام سیاسی - اداری می‌شود. ۶۶

عالی نظارت بر تعارض منافع را می‌توان به عنوان پاشنه آشیل لایحه محسوب کرد زیرا همه اعضای آن از طبقه حاکمیتی بوده و نمایندگان جامعه مدنی، بخش خصوصی و افکار عمومی از عضویت در آن محروم شده‌اند. این موضوع نشان از دولتی‌تلقی کردن مبارزه با فساد و عدم اعتقاد و اعتماد به نقش نهادهای مردمی دارد و می‌توان ادعا کرد که دیدگاه دولت‌محور کردن مبارزه با فساد در طی سالیان گذشته شکست خورده است. یکی از اهداف تصویب چنین قوانینی جلب اعتماد عمومی است در حالی که با ملاحظه ترکیب شورای عالی شفافیت، افزایش اعتماد عمومی به حاکمیت از طریق شورای مذکور امری بعید به نظر می‌رسد. انتظار می‌رود از نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد که در زمینه شفافیت و مبارزه با فساد فعالیت دارند و همچنین از نمایندگان احزاب، روزنامه‌نگاران، وکلا و سایر بخش‌های مردمی جامعه در ترکیب شورا استفاده شود تا توازن نسبی بین بخش‌های حاکمیتی و غیرحاکمیتی در شورای عالی شفافیت برقرار شود و چنین نقض‌غرضی علنی حاصل نشود. امید است با اصلاح برخی اشکالات حقوقی پیش‌نویس که به حق از ارزشمند بودن و همت عالی طراحان آن نمی‌کاهد، شاهد انقلابی قانونی - قضایی در زمینه مبارزه با فساد و گسترش شفافیت در کشور باشیم و از قانون‌گذاران نیز انتظار می‌رود با بررسی دقیق و تصویب لایحه آماده شده، اندکی از تأثیرات سوء برخی از قوانین فعلی که در زمینه شفافیت و مبارزه با فساد موجود هستند، بکاهند.

از دیگر نقاط ضعف لایحه می‌توان به عدم پیش‌بینی مشوق‌های لازم برای افشاگران تعارض منافع است. منظور از افشاگران تعارض منافع اشخاصی هستند که از وجود تعارض منافع در اشخاص مشمول این لایحه اطلاع دارند و اشخاص مشمول نیز وضعیت تعارض منافع خود را به مقامات ذی‌صلاح یا هیئت‌های مدیریت تعارض منافع اطلاع ندهاده‌اند. از نمایندگان مجلس انتظار می‌رود در جهت ایجاد انگیزه نسبت به کشف و اطلاع موقعیت‌های تعارض منافع و پیشگیری از فساد، مشوق‌های مالی و غیرمالی مناسب و کافی برای افشاگران این موقعیت‌ها در نظر بگیرند.



داده و بخشی از اجرای آن در جامعه را تضمین می‌کند. به عنوان مثال در کشور بلغارستان نظارت و ضمانت اجرای قوی با توجه به قدرت کمیته‌های اخلاقی و کمسیون‌های رفتاری یکی از نقاط قوت پیشگیری از تعارض منافع است. این کمیته‌ها وظیفه راهنمایی نسبت به سؤالات و تردیدهای کارکنان در مورد منافع و نیز نظارت و کنترل پیشرفت تعارض منافع در سازمان‌های مختلف هستند.

محدودیت فعالیت سیاسی: به مانند همه اعضای جامعه، کارکنان بخش عمومی نیز دارای حق‌های مدنی و سیاسی هستند که این حق‌ها بن‌مایه یک جامعه دموکراتیک تحت حاکمیت قانون و حقوق بشر می‌باشد. یکی از این حقوق، حق فعالیت سیاسی می‌باشد که عموم مردم از آن می‌توانند بهره‌مند شوند. کارکنان بخش عمومی در این زمینه نیز محدودیت دارند که این محدودیت جهت پیشگیری از تعارض منافع و به خصوص حفظ بی‌طرفی و عدم استفاده از امکانات و اموال دولتی برای فعالیت‌های سیاسی است.